

کودکان را فراموش نکنیم

رحیم محمودی

بیرامون وضع کودکان در شرایط نا مساعد اردوگاه حزب کومله

گفتگوی کاک عبدالله مهدی را با یک روز نامه کردی را خواندم. چیزی که من را وادار کرد نظرم را بنویسم. کاک عبدالله فکر می کند از کره مریخ آمده است و هیچ کس از کارهای ایشان خبر ندارد که چه به سر کومله آورده است. فراموش کرده و از دمکراسی حرف میزند ولی مخالفین خود را با اسلحه میزند، ویا دست بند میزند از اردوگاه بیرون می راند. این مدل جدید دمکراسی از کجا آمده است؟ در هیچ جای دنیا این مدل دمکراسی حزب کومله به رهبری کاک عبدالله دیده نشده است. من اینجا نمی خواهم از جناحهای درون تشکیلات دفاع کنم، چونکه فکر می کنم همان رفقای که از اردوگاه بیرون شده اند آنها هم مورد انتقاد من هستند. ولی چیزی که باید اینجا گفته شود، آنست که آیارهبری حزب کومله تصمیم می گیرد این خانواده ها را از اردوگاه بیرون به راند یک بار هم بوده از خود سوال کند که آینده این بچه های چه می شود و چه سر نوشتی در انتظارشان است؟ زمانی که کسی بدون مسئولیت یک چیزی در مورد خانواده رهبران حزب کومله می نویسد، فوراً سایتهای اینترنتی پر می شود از مطالب گوناگون و می گویند که خانواده هایمان راتهدید کرده اند ولی چیزی که در اردوگاه کومله مدت این ۱۰ ماه روی داد، بارها بچه های این اردوگاه از ترس اوضاع متشنج اردوگا تا صبح خوابیدند ویا روز بعد به دلیل اختلافی که گاه شب روی داده است به مدرسه نرفته اند.

از همین روزاول درگیری، این بچه ها قربانی سیاست حزب کومله در اردوگاه شدند و مشکل راونی پیدا کرده و میکنند. اگر در حال حاضر این بچه ها از طرف یک دکتر روانشناس مورد معاینه قرارگیرند متوجه خواهند شد که چه بسا این بچه ها آمده است. پای درد دل یکی از پدران نشستم که از وضع بچه های اردوگاه تعریف می کرد. امسال وضع بچه های بسیار خراب است. می گفت پارسال خوب بودند ولی امسال هر کدام ۳ تا ۴ تجدید دارند. به جای آنکه امسال در تعطیلات تابستانی مشغول بازی بچه گانه خود باشند. باید خانه بنشینند درس بخوانند تا بتوانند، تجدیدهای خود را جبران کنند. تعریف می کرد که شبها پیش آمده که از ترس تا صبح خوابیده اند. صبح که بیدار می شدند باید برای رفتن به مدرسه آماده می شدن با جواب سرد مسئولین روبرو می شوند، آنها آماده نبودند که این بچه ها را به شهر سلیمانی منتقل کند. بعد از جروبحت زیاد حاضر می شوند بچه ها را به شهر ببرند. ویا اتفاق می افتاد که بچه ها با پای پیاده از گویزمله به شهر می رفتند. بچه ها شاهد همه این بی پرنسیبها در درون تشکیلات بودند.

چندبار من تلفنی باخانم منصور راوند صحبت کردم که تعریف می کرد: از دیشب منصور را دستگیر کردن من تنها با بچه هایم توی خانه هستم وپسر کوچکم مریض است و تب دارد، ولی تمام وقت درب و پنجره خانه را بستم و جرات نمی کنم از خانه بیرون بروم. یکی دیگر تعریف می کرد، در زمان اختلاف و درگیری بین جریان رفورم (اقلیت کمیته مرکزی) تلویزیون خانه اش می سوزد. به مسئول مالی تشکیلات در اوردگاه مراجع می کند. و می گوید تلویزیون ما خراب شده است و بچه هام هیچ سرگرمی ندارند. مسئول مالی تشکیلات در جواب می گوید، چرا از کاک عمر تقاضا نمیکنند تا برایت کار کند. طرف در جواب می گوید: شما مسئول مالی هستی نه کاک عمر خوب اگر این جور است بیا از جریان مپشتیبانی کن تا برایت تلویزیون تهیه کنیم حتی اینجا هم بچه ها مورد معامله قرار می گیرند. اینجا سوال این است آیا بچه ها خودتان (رهبری حزب کومله) بدون امکانات بودند؟ ولی شماها برای پیشبرد اهداف خودتان از موقعیت مالی سوء استفاده می کنید. اینجا هم بچه ها مورد معامله قرار می گیرند. آیا اتفاق افتاده که بچه های خودتان این جور مورد معامله قرار گرفته باشند؟ پس چگونه به خودتان اجازه می دهد این جور از اموال تشکیلات استفاده کنید؟

پیشمرگانی که در راه کومهله جان باختن برای یک دنیای بهتر بود نه برای معامله برسربچه‌های همسنگران خود. ولی حال ورق برگشت خورده بچه‌ها در حزب کومهله مورد معامله قرار می‌گیرند.

کاک عمر محمدزاده را که اخراج می‌کنند در نامه اخراجش برای او مینوسند که یک شب اجازه دارد پیش زن بچه‌اش باشد و تا ۱۰ روز دیگر خانواده‌اش به شهر سلیمانی منتقل کند، کسی که هیچ امکاناتی در اختیار ندارد چگونه می‌تواند جا و مکان برای این خانواده تهیه‌کند. معلوم است از همان لحظه اول بچه‌هایش مورد تعرض قرار می‌گیرند.

مسئول تمام این بی‌حقوقی‌ها شماها هستی. شماها رهبران حزب کومهله که خانواده‌تان در اورپا زندگی می‌کند همگی خوب به حقوق بچه آشنا هستی، چگونه به خودتان اجازه می‌دهید، برسربچه‌ها در اردوگاه معامله کنید؟ آیا در کشور محل زندگیتان اینجور برسربچه‌های شماها معامله می‌شود؟

دوستان این اتفاقات که در اردوگاه حزب شماها افتاد. اگر اردوگاه حزبتان در یکی از کشورهای محل زندگیتان می‌بود. شماها از طرف دولت مورد بازخواست قرار می‌گرفتید. آیا حزب کومهله برای یک بار هم بوده، نباید از خود سوال کند. که این بچه‌ها هیچ گناهی ندارند چرا مورد معامله قرار گیرند.

تنها گناه این بچه‌ها آنست که پدران و مادران آنها زندگی شخصی خود را رها کرده‌اند و داوطلب پیشمرگایی حزب کومهله شده‌اند. باید حساب بچه‌ها را از پدران و مادران جدا کرد. در کشور که من زندگی می‌کنم هر ۲ ماه از طرف مدرسه نامه رسمی بدست بچه می‌دهند با ساعت و تاریخ مشخص دعوت به جلسه‌از پدران و مادران. در مورد کار و مشکلات بچه‌ها و مدرسه صحبت می‌کنند اگر مشکل عمومی باشد، آن شب در موردش صحبت می‌شود. تا مشکل بچه‌ها مدرسه بر طرف شود. ولی حزبی که تا دیروز برای دنیای بهتر مبارزه میکرد، امروز چگونه سر راه بچه‌ها خودش مشکل به وجود می‌آورد. حزبی که تا دیروز خود را چپ و سوسیالیست می‌دانست در یک اردوگاه کوچک چه بسر بچه‌ها می‌آورد. این دوستان هنوز از جامعه سرمایه‌داری یاد نگرفتند که چقدر به بچه‌ها احترام می‌گذارند.

حزب کومهله بر رهبری کاک عبدالله مهتدی چگونه این وضع را توضیح می‌دهید. شماها اردوگاه کوچک مثل زرگویزه را با این شیوه اداره می‌کنید فردا جامعه کردستان را چگونه اداره می‌کند؟

حال بچه‌ها اردوگاه حزب کومهله هم قربانی جامعه سوسیالیستی می‌شوند.. اگر پدران و مادران این بچه‌ها به مدرسه دعوت شوند در سلیمانی چه توضیحی دارند که بدهند؟

در مورد دمکراسی مدل جدید آن یا اخراج کردن خودشان از اردوگاه حزب کومهله و یا در مورد ترس بیخوابی شبهای درگیری و یا در اختیار نگذاشتن ماشین که سر وقت سرکلاس حاضر نشدن، یا بچه‌ها مجبور شوند پیاده از اردوگاه حزب کومهله به مدرسه بروند.

کومهله که زمانی پای تشکیل حزب کمونیست ایران رفت تعهد می‌کرد که مدرسه رایگان در خدمت مردم باشد، ولی حال حزب کومهله حاضر نیست امکانات در اختیار بچه‌هایی که در اردوگاه خودش به دنیا آمدن، بگذارد.

سال ۱۳۵۷ من که کومهله آشنا شدم برای از بین بردن تبعیض بود نه تبعیض قائل شدن در بین بچه‌های خودمان. وقتی با نیروهای رژیم درگیری شدیم و یا نیروهای رژیم به ما حمله می‌کردند، اولین چیزی که مورد توجه ما قرار می‌گرفت امنیت بچه‌های میدان درگیری بود. و همیشه از طرف مسئولین یاد آوری می‌شد مواظب بچه‌های مردم باشیم ولی ورق برگشت خورد و در اردوگاه حزب کومهله زنان و بچه‌ها هستند که مورد تعرض قرار می‌گیرند.